

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

65f663802dc90a1df2589934ca341e26f62d014034b936e9460a3a27f3258ff6

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

جنبش دانشجویی - تعداد فیش : 15 ، تعداد مقاله : 3

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/09/24

جریان دوم که آن مسئله‌ی آرمان‌خواهی است در دانشگاه‌ها - که در زبان متعارف به او گفته می‌شود جنبش دانشجویی - در کشور ما تاریخ بسیار جالبی دارد. این را از این جهت می‌گویم و رویش تکیه می‌کنم که این حرکت باید ادامه پیدا کند و این چیزی نیست که بتواند متوقف بشود؛ چون کشور در شرائطی است و نظام جمهوری اسلامی، ساخت و ویژگی‌ها و مختصات دارد که حتما جنبش دانشجویی در کنارش بایستی حضور داشته باشد. این جنبش دانشجویی در کشور ما در تاریخ ثبت شده و شناخته شده‌ی خود، همیشه ضد استکبار، ضد سلطه، ضد استبداد، ضد اختناق و بشدت عدالتخواه بوده است. این ممیزات جنبش دانشجویی ما از روز اول است تا امروز. اگر کسی مدعی جنبش دانشجویی باشد، اما این ممیزات را نداشته باشد، صادق نیست. دست جنبش دانشجویی نمیتواند در دست کسانی باشد که در فلسطین قتل عام میکنند، در عراق جنایت میکنند، در افغانستان مردم را از دم تیغ میگذرانند؛ این جنبش دانشجویی نیست. جنبش دانشجویی خصلت و خاصیتش در کشور ما لااقل اینجور است - شاید در خیلی از کشورهای دیگر هم باشد - که ضد استکباری، ضد سلطه، ضد دیکتاتوری و طرفدار عدالت است. شروع این حرکت یا مقطع شناخته شده‌ی این حرکت، همین 16 آذر است.

بعد، از آن سال تا سال 42 - که شروع نهضت روحانیت و نهضت دینی و اسلامی در کشور ماست - جنبش دانشجویی کم و بیش تحركاتی دارد. من یادم است سالهای 38 و 39 و 40 و ...، دانشجویها تحركاتی داشتند، منتها بشدت سرکوب میشد و اجازه نمیدادند بروز پیدا کند؛ تا نهضت روحانیت در سال 1341 و اوجش در سال 42 شروع شد، که اینجا باز شما نشانه‌ی جنبش دانشجویی را مشاهده میکنید؛ یعنی در تمام پانزده سالی که بین 1342 است که شروع نهضت روحانیت باشد، تا 1357 که پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، شما در همه جا و دوشادوش روحانیت و در کنار او، جنبش دانشجویی را مشاهده میکنید. دانشگاه‌های کشور، محیطهای دانشجویی کشور، مرکز تحرک و فعالیت است و یکی از بازوهای اساسی نهضت در تمام طول این مدت - که این را ما از نزدیک هم خودمان شاهد بودیم؛ هم دوستانی که در کار نهضت و مبارزات بودند و هم همه این را تجربه کرده‌اند و آزموده‌اند - دانشجویانند. بنابراین، دانشگاه‌ها یک بخش لاینفک از نهضت روحانیت بودند. البته در دانشگاه‌ها جریانهای الحادی و ضد دینی و مارکسیست و غیره هم بودند، لکن آن حرکت غالب، مربوط بود به دانشجویهای مسلمان. لذا گروه‌هایی که تشکیل میشد - گروه‌های مبارز - و کارهایی که انجام میگرفت مثلا در زندانها - این زندانهای گوناگون در سالهای مختلف که ما خودمان تجربه کردیم - در همه جا، دانشجویها هم حضور داشتند؛ یعنی روحانیون و دانشجویان عمده‌ی زندانی‌ها را تشکیل میدادند. همین موجب شد که ما روحانیون مشهد، علمای مشهد و جمع کثیری از مردم مشهد در سال 57، قبل از پیروزی انقلاب، وقتی میخواستیم تحصن انجام بدهیم، این تحصن در مرکز دانشگاهی پزشکی امام رضا انجام گرفت؛ یعنی مرکزیت دانشگاه. در تهران هم تحصن علما و روحانیون و انقلابیون و مبارزین برای ورود امام - که در ورود ایشان تأخیر شده بود - در دانشگاه تهران انجام گرفت. اینجا نشان‌دهنده‌ی نقش دانشگاه و نقش دانشجویست، تا انقلاب پیروز شد.

بعد از پیروزی انقلاب این حرکت دانشجویی - جنبش دانشجویی، حضور دانشجویی - صحنه‌ی عجیبی است. در همان ماه‌های اول، مسئله‌ی تشکیل سپاه پاسداران و حضور فعال دانشجویان در سپاه است و به فاصله‌ی چند ماه، تشکیل جهاد سازندگی به وسیله‌ی خود دانشجویهاست، که خود دانشجویها جهاد سازندگی را تشکیل دادند و خودشان آن را توسعه دادند؛ خودشان آن را پیش بردند، که یکی از برکات و افتخارات نظام اسلامی، جهاد سازندگی بود. چند ماه بعد از این، موج دوم حضور دانشجویان در مواجهه و مقابله‌ی با عناصر مسلحی بود که دانشگاه را لانه‌ی خودشان کرده بودند، که اتفاقا خیلی از آنها غیر دانشجو بودند و همین دانشگاه تهران تبدیل شده بود به مرکز تسلیحات و تفنگ و مهمات و نارنجک! آنها این وسائل را جمع کرده بودند برای اینکه با انقلاب مبارزه کنند. کسی که توانست اینها را از دانشگاه تهران ازاله کند، خود دانشجویها بودند؛ حرکت عظیم دانشجویها که اینجا هم خودش را نشان داد.

سال 59 با شروع دفاع مقدس، حضور دانشجویها در جبهه است که نمونه‌های مختلفی از آن وجود دارد که یکی از آنها همین حاج احمد متوسلیمان و امثال اینها بودند که بلند شدند رفتند منطقه‌ی غرب در کردستان، در عین غربت - بنده در همان ماه‌های اول جنگ، پنج شش ماه بعد از اول جنگ، منطقه‌ی کردستان را از نزدیک دیدم؛ گرد غربت آنجا بر سر همه کانه پاشیده شده بود - و در تنهایی، بی‌سلاحی و با حضور فعال دشمن و بمباران دائمی دشمن، این مخلص‌ترین نیروها در آنجا کارهای بزرگی را انجام دادند که قبل از عملیات فتح‌المبین - عملیاتی که این سردار بزرگوار و دوستانش انجام دادند - عملیات محمد رسول‌الله (صلی الله علیه و اله و سلم) را انجام دادند که آن، یک نمونه از حضور دانشجویان است. یک نمونه‌ی دیگر دانشجویهایی هستند که در ماجرای هویزه حضور پیدا کردند که آن دانشجویها را هم بنده، تصادفا در همان روزی که اینها داشتند میرفتند - روز 14 دی - به طرف منطقه‌ی نبرد و درگیری، دیدم؛ شهید علم‌الهدی و شهید قدوسی و دیگران. این مربوط به سالهای 60 و 61 است که البته ادامه پیدا کرد تا آخر جنگ. یعنی واقعا یکی از بخشهای تأمین کننده‌ی نیروهای فعال ما در طول دوران هشت سال دفاع مقدس، دانشگاه‌ها بودند. بعد هم که در همان اوانل دهه‌ی 60، وقتی بازگشائی دانشگاه‌ها انجام شد، جهاد دانشگاهی تشکیل شد که یکی از نقاط حساس و یکی از مراکز مایه‌ی افتخار، جهاد دانشگاهی است. قبل از اینها هم در سال 58، تسخیر لانه‌ی جاسوسی به دست جنبش دانشجویی است.

حالا دانشجو به حیث دانشجو، عضو جنبش دانشجویی است. ممکن است آن کسی که خودش در تسخیر لانه‌ی جاسوسی فعال بوده، بعد از مدتی از کار خودش پشیمان شود - کمابینه ما پشیمان شده‌هایی هم داریم! خیلی از کسانی که در جنبش دانشجویی حضور داشتند، در برهه‌ی دیگری، گرفتاری‌های زندگی و انگیزه‌های مختلف، ثبات قدم را از اینها گرفت - لکن حرکت بزرگ مربوط به دانشجویست، که این حرکت تسخیر لانه‌ی جاسوسی یکی از مهمترین این حرکات است.

حالا این یک تاریخچه است، تا امروز هم ادامه دارد. در تمام دورانهای مختلف، در طول انقلاب، حوادث گوناگون، لحظه‌های حساس و خطیر، حضور دانشجویان مؤمن، متعهد، عدالتخواه، باگذشت، توانسته فضا را در جهت صحیح هدایت کند. این برداشت من از جنبش دانشجویی و نگاه من به جنبش دانشجویی است: ضد استکباری، ضد فساد، ضد اشرافیگری، ضد حاکمیت تجمل‌گرایانه و زورگویانه، ضد گرایشهای انحرافی؛ اینها خصوصیات جنبش دانشجویی است. در همه‌ی این سالهای انقلاب، حضور دانشجویان در این صحنه‌ها، حضور فعال و مؤثری بوده. دانشجویها گفتمان‌ساز بوده‌اند، فضای فکری ساخته‌اند، گفتمانهای سیاسی و انقلابی را در جامعه حاکم کرده‌اند، که در موارد زیادی این وجود داشته.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/09/24

و دیگر اینکه، تشکلهای دانشجویی مواظب باشند هدفهایشان را گم نکنند. هدفهای اصلی تشکلهای دانشجویی همان چیزهایی است که بر روی طاق بلند جنبش دانشجویی نوشته شده: ضدیت با استکبار، کمک به پیشرفت کشور، کمک به اتحاد ملی، کمک به پیشرفت علم، حضور و شرکت در مبارزه و پیکار همگانی ملت ایران برای

غالب آمدن بر توطئه‌ها و بر دشمنی‌ها؛ اینها هدف اصلی است؛ این را باید فراموش نکنند. البته تشکلهای از بدنه دانشجویی هم خودشان را نباید جدا کنند؛ یعنی اینجور نباشد که تشکل، موجب تقسیم دانشجویها بشود. به دانشجویها نزدیک باشند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/09/24

در تمام دورانهای مختلف، در طول انقلاب، حوادث گوناگون، لحظه‌های حساس و خطیر، حضور دانشجویان مؤمن، متعهد، عدالتخواه، باگذشت، توانسته فضا را در جهت صحیح هدایت کند. این برداشت من از جنبش دانشجویی و نگاه من به جنبش دانشجویی است: ضد استکباری، ضد فساد، ضد اشرافیگری، ضد حاکمیت تحمل‌گرایانه و زورگویانه، ضد گرایشهای انحرافی؛ اینها خصوصیات جنبش دانشجویی است. در همه‌ی این سالهای انقلاب، حضور دانشجویان در این صحنه‌ها، حضور فعال و مؤثری بوده. دانشجویها گفتمان‌ساز بوده‌اند، فضای فکری ساخته‌اند، گفتمانهای سیاسی و انقلابی را در جامعه حاکم کرده‌اند، که در موارد زیادی این وجود داشته.

بیانات در دیدار دانشجویان 1387/07/07

یکی از دوستان میگفتند که به این دلایل، آینده‌ی جنبش دانشجویی دچار ابهام است! من میگویم هیچ دچار ابهام نیست. اتفاقاً همان برادری که این مطلب را گفتند، وظائف جنبش دانشجویی و کارهایی را هم که جنبش دانشجویی باید انجام بدهد، ذکر میکردند؛ خوب، دیگر چه ابهامی؟! همین کارها را باید انجام بدهید؛ با این هدف، با این مقصد. من به نظرم میرسد یکی از کارهای لازم، تشکیل جلسات فکری وسیعی است که مجموعه‌ی دانشجویی، همراه با مجموعه‌ی حوزوی، با برنامه‌ریزی خوب، میتواند به وجود بیاورد تا بنشینند درباره‌ی مسائل گوناگون فکر کنند. گسترش فکر و پراکندن فکر درست و صحیح میتواند همان ثمراتی را بیخشد که ما در زمینه‌های مسائل علم و فناوری و پیشرفت علوم از دانشجو توقع داریم؛ یعنی شکوفائی، آوردن حرف نو به میدان اندیشه، با یک حرکت صحیح و جهتگیری درست. یکی از کارها این است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان 1384/02/19

البته این دانشجوی عزیز - نماینده‌ی تشکلهای دانشجویی - نکته‌ی بسیار درستی را ذکر کردند و آن این است که نسبت میان نگاه به فعالیت‌های امروز و نگاه به تکالیف آینده در فعالیت‌های دانشجویی و جنبش دانشجویی باید رعایت شود؛ لیکن اگر ما نگاه کلانی به مسائل کشور، به آینده‌ی کشور و چالش‌هایی که فراروی ملت و کشور قرار دارد، نداشته باشیم، نه تنها نمی‌توانیم وظایف آینده را ترسیم کنیم، بلکه در فعالیت‌های فعلی هم احتمال سردرگمی وجود خواهد داشت.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها و جمعی از نخبگان دانشجویی 1382/08/15

نفس این که شما می‌آیید این‌جا و این فکر را در فضای کشور و جامعه پرتاب می‌کنید - که منعکس هم خواهد شد - مهمترین مسأله است و مطلبی است که ما به آن احتیاج داریم. ما می‌خواهیم جوان ما احساس کند که باید فکر کند و باید این فکر را مطرح و آن را مطالبه نماید. نمی‌خواهیم کار نمایشی کنیم و نیازی هم به کار نمایشی نداریم؛ اما به این که جوان ما - بخصوص مجموعه‌ی دانشجویی که در سطح کشور بسیار گسترده و وسیع است - این احساس را در خودش تقویت کند که در آینده‌ی کشور نقش و مسؤولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند، نیاز داریم.

پیام به دومین همایش سراسری جنبش دانشجویی 1381/08/06

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جوانان و دانشجویان عزیز

در این گردهمایی دانشجویی مجموعه‌های متعددی از دانشجویان شرکت کرده‌اند. این نقطه‌ی روشن دیگریست که جذابیت طبیعی گردهمایی‌های دانشجویی را مضاعف می‌سازد.

دانشجوی متعهد و آگاه از پیش از انقلاب تا کنون همواره در جستجوی مهمترین مسائل جاری کشور بوده است. او با انگیزه‌ی آگاهی و نشاطی که لازمه‌ی محیطهای دانشجوییست، در پی آن است که آرمانهای والا و تعهدآور خود را در پیگیری این گونه مسائل جستجو کند و در راه آن گام نهد. این نیز خصوصیت طبیعی دیگری برای محیطهای دانشجوییست.

امروز سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور مسئله‌ی عدالت است. دانشجوی جوان اگر چه خود برخاسته از قشرهای مستضعف جامعه هم نباشد، به عدالت اجتماعی و بر کردن شکافهای طبقاتی به چشم یک آرزوی بزرگ و بی‌بدیل می‌نگرد.

این احساس و انگیزه در دانشجو پرج و مبارک است. و می‌تواند پایه‌ی قضاوتها و برنامه‌های عملی او برای حال و آینده باشد. اگر عدالت - عدالت واقعی و ملموس و نه فقط سخن گفتن از عدالت - آرزو و آرمان و هدف برنامه‌ریزی‌هاست، پس باید هر پدیده‌ی ضد عدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد.

مسابقه‌ی رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنایی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های سر برآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه کردن اموال عمومی در اقدامهای بدون اولویت، و به طریق اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پرروئی آنان همه‌ی گلوگاههای اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید، و خلاصه پدیده‌ی بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آنرا هزینه‌ی کسب قدرت سیاسی کنند. و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه را که هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند.

اینها و امثال آن نقطه‌های استفهام برانگیزیست که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد. و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضائی عملکرد قاطعانه برای ریشه‌کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند.

امروز این مهمترین و مطرح‌ترین مسئله‌ی کشور ماست و نسل جوان دانشجوی متعهد و مؤمن نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر 1379/12/09

امروز تئوریسینها و تبلیغاتچیهای غربی درصددند خط ارتجاع به غرب - خط برگشت به همان تحمیل‌پذیری غربی - را دوباره برگردانند. البته همان‌طور که گفتم، تحت عنوان یک تئوری شبه روشنفکرانه؛ به عنوان یک حرف نو؛ تئوری جهانی شدن و تئوری تغییر گفتمان. می‌گویند دانشجوی این دوره دیگر نمی‌تواند دانشجوی دوران ضداستعماری باشد. می‌گویند دوران ضدیت با استعمار و استکبار و مرگ بر استکبار گفتن، گذشته است؛ دوران عدالت‌خواهی و مبارزه‌ی با سرمایه‌داری سرآمده است؛ دوران آرمان‌خواهی و تبری و تولای سیاسی تمام شده است؛ گفتمان جدید دانشجویی عبارت است از گفتمان جهانی، جهانی شدن، گفتمان واقع‌بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ یعنی سیاهی لشکر امریکا شدند! این جهانی شدن، اسنمش جهانی شدن است؛ اما باطنش امریکایی شدن است. معنایش این است که ملت ایران علی‌رغم مجاهدتهایی که

کرده، علی‌رغم پرجمه‌هایی که بر قله‌های پیروزی کوبیده، علی‌رغم بیداری عظیمی که در ملت‌های مسلمان به وجود آورده، باید دوباره مثل دوران قبل از انقلاب، سیاهی لشکر و عمله و ابزار تأمین منافع امریکاییها شود. هدف به صورت لخت و پوست‌کنده جز این چیز دیگری نیست؛ اما می‌خواهند در زیر نامهای زیبا - جهانی شدن و تحول و پیشرفت - این هدف را پنهان کنند.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 1378/09/01

به‌نظر رسید که موضوع بحث را یک موضوع صدرصد دانشجویی قرار دهم و آن عبارت است از آنچه که امروز به آن، حرکت دانشجویی، یا جنبش دانشجویی گفته می‌شود؛ یا به تعبیر بهتر و رساتری که می‌توان برایش انتخاب کرد: بیداری دانشجویی و احساس مسؤولیت دانشجویی. این مقوله بسیار مهمی است؛ صدرصد هم دانشجویی است. چرا می‌گوییم صدرصد دانشجویی است؟ چون بسیاری از احساسات، درخواست‌ها و انگیزه‌ها ممکن است در قشر دانشجو وجود داشته باشد، اما به خصوصیت دانشجویی او ارتباط مستقیمی نداشته باشد؛ مثل دغدغه‌ی شغل. شاید دانشجویی وجود نداشته باشد که دغدغه‌ی شغل و آینده نداشته باشد؛ لیکن این به حیثیت دانشجویی دانشجو ربطی ندارد. این مربوط به هر جوانی است؛ دانشجو هم نباشد، این دغدغه را دارد. یا مثلاً دغدغه‌ی ازدواج و تشکیل خانواده، که البته از این مورد، حضار بیشتر هم خوششان می‌آید! هر دانشجویی - چه دختر و چه پسر - این دغدغه و این مطالبه و میل را دارد؛ چون مسأله‌ی اساسی زندگی است. اما این لازم ذاتی دانشجو نیست؛ این لازم انسان بودن و جوان بودن اوست. دانشجو هم که نباشد، این احساس را دارد. اما آن چیزی که من اسمش را «بیداری دانشجویی» می‌گذارم و امروز در بین دانشجویان و غیردانشجویان معمول است و به آن «جنبش دانشجویی» می‌گویند، مخصوص قشر دانشجو - به حیث دانشجو - است؛ یعنی متعلق به همه‌ی جوانان نیست؛ متعلق به همین جوان قبل از محیط دانشجویی هم نیست؛ متعلق به این جوان بعد از دوره‌ی دانشجویی هم نیست. این متعلق به محیط دانشگاه است؛ متعلق به همین چهار سال، پنج سال، شش سال است؛ همین مدتی که شما در دانشگاه درنگ دارید. این حقیقتی است که وجود دارد.

جنبش دانشجویی - یا به همان تعبیر درست‌تر: بیداری دانشجویی - چیز جدیدی نیست؛ یک چیز مخصوص ایران هم نیست؛ چون همان‌طور که گفتیم، متعلق به محیط دانشگاه است. این بیداری، خصوصیات دارد؛ انگیزه‌هایی در آن هست و نتایجی بر آن مترتب می‌شود. اگر این خصوصیات را درست بشناسیم، می‌تواند به‌عنوان یک منبع غنی و سرشار و فیاض برای آن کشور و آن محیط و آن جامعه به‌کار گرفته شود؛ اما اگر درست شناسایی نشود، ممکن است تضییع شود. مثل ثروتی که شما از وجود و یا از کاربرد آن اطلاع ندارید. بدتر از این، آن ثروتی است که شما که صاحبش هستید، اطلاع ندارید؛ اما یک درد و یک دغل اطلاع دارد که زیر این مخفیگاه، این گنج هست؛ کاربردش هم این است. لذا او می‌آید و استفاده می‌کند و این دیگر می‌شود خسارت فوق خسارت؛ یکی از فزاینده‌ی اولی خود دانشجو، ثانیاً مجموعه‌ی مدیران دانشجویان و دانشگاه‌ها و ثالثاً مجموعه‌ی مدیران کشور، شناسایی این پدیده‌ی ذاتاً دانشجویی است؛ یعنی بیداری دانشجویی، یا جنبش دانشجویی، یا حرکت دانشجویی. به هر اسمی آن را بنامید، حقیقتش را می‌شناسیم که چیست. منشأ چنین پدیده‌ای، خصوصیات است که در دانشگاه و در مجموعه‌ی دانشجویان هست. سن و انرژی و توان و نیروی جوانی، معارف و دانش‌هایی که دانشجو در این دوره با آنها آشنا می‌شود - چه معارف علمی، چه معارف سیاسی، چه معارف اجتماعی - فراغت دانشجویی که گرفتار زندگی و نان و دربند گرفتاریها و بارهای زندگی نیست و یک آزادی نسبی دارد و در جایی مسؤولیتی ندارد، مجتمع بودن دانشجویان در یک محیط خاص، تأثیر گرفتن از امواج عمومی جامعه و بازتاب آنها را نشان دادن - چه مثبت و چه منفی - از عوامل این پدیده بسیار مهم و درعین‌حال بسیار مبارک است که در صورتی که از آن استفاده نشود و یا بد استفاده شود، بسیار خطرناک خواهد بود. در مجموعه‌ی دانشجویان و در حرکت دانشجویی یا بیداری دانشجویی، خصوصیات هست که تقریباً می‌شود گفت این هم در اغلب جاها یکسان است - با تفاوت فرهنگها و تاریخها و زیرزمینه‌های هر کشوری و هر ملتی و هر مجموعه‌ی انسانی - لیکن مشترکاتی بالاخره در همه جا هست.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 1378/09/01

خصوصیت سوم، آزادی و رهایی از وابستگی‌های گوناگون حزبی و سیاسی و نژادی و امثال اینهاست. در این مجموعه‌ی حرکت دانشجویی، انسان می‌تواند این خصوصیت را مشاهده کند که این هم یک شعبه از همان مصلحت‌گرایی است. غالباً در این‌جا از تقیداتی که معمولاً مجموعه‌های گوناگون سیاسی و غیرسیاسی برای افراد خودشان فراهم می‌کنند، خبری نیست و جوان حوصله‌ی این قید و بندها را ندارد. لذا در گذشته‌ی پیش از انقلاب، احزابی بودند و کارهایی می‌کردند؛ اما به دانشگاه که می‌رسیدند، ضابطه از دستشان در می‌رفت! ممکن بود چهار نفر عضو هم پارگیری می‌کردند، اما نمی‌توانستند انضباطهای مورد نظر خودشان را - انضباطهای حزبی خیلی شدید که در احزاب دنیا معمول بود و هست - در محیط دانشجویی به‌درستی اعمال کنند؛ زیرا دانشجو بالاخره در جایی به اجتهاد می‌رسد. آن زمانها حزب توده، حزب فعالی بود؛ تشکیلات خیلی وسیعی هم داشت؛ با شورویها هم مرتبط بود و اصلاً برای آنها کار می‌کرد؛ اما به دانشگاه که می‌رسید، مجبور بود بسیاری از حقایق حزبی را از چشم دانشجو پنهان کند!

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 1378/09/01

ششمین خصوصیت این حرکت دانشجویی و این پدیده‌ی ذاتی محیط دانشگاهها این است که بر این حرکت، فقط احساسات حکومت نمی‌کند؛ بلکه ضمن این که احساسات هست، منطق و تفکر و بینش و تحصیل و میل به فهمیدن و تدقیق هم در آن وجود دارد. البته شدت و ضعف دارد؛ گاهی کم و گاهی زیاد. از نظر ما، اینها خصوصیات است که در این مجموعه‌ی موسوم به حرکت دانشجویی، یا بیداری دانشجویی وجود دارد. البته کسانی که اهل تحلیل و تدقیقهای این‌طوری هستند، بگردند و خصوصیات دیگری هم پیدا کنند؛ که حتماً هم وجود دارد و من حالا نمی‌خواهم آن‌طوری بحث کنم.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 1378/09/01

من غالباً به خیلی از مجموعه‌های دانشجویی که پیشم می‌آیند، گفته‌ام که عشق و علاقه‌ی من به دانشجو، بخش عمده‌اش ناشی از صفا و صداقت دانشجویست. این صداقت و صفا بایستی در یکایک دانشجویان حفظ شود؛ اما اگر فرض کنیم این هم عملی نیست که در یکایک دانشجویان این صفا و صداقت و صمیمیت و حالت خلوص و پاکی روحی و قلبی محفوظ بماند، لااقل در مجموعه‌ی جنبش دانشجویی این باید محفوظ بماند. این حرکت دانشجویی و بیداری دانشجویی، نه در گذشته و نه در امروز، هرگز فراگیر همه‌ی دانشجویان نبوده است. بالاخره در محیط دانشگاه، همه یک‌طور نیستند؛ بعضیها حوصله‌ی حرکت ندارند؛ می‌گویند بگذار کارمان را بکنیم، درس‌مان را بخوانیم؛ زودتر این ورق‌پاره را بگیریم و مثلاً دنبال کاری برویم! این مشمول حرف من نیست. ممکن است اینها هم بسیار جوانان خوبی باشند - اصلاً نمی‌خواهم رد کنم - ولی می‌خواهم بگویم اینها مشمول این حرفی که می‌زنم - این بیداری، این خیزش، این جنبش، این حرکتی که عنوان دانشجویی دارد - نیستند. بعضیها هم در محیط دانشجویی هستند که بیش از آن که دانشجویی کنند، جوانی می‌کنند و به عنوان یک کار رایج، دنبال کارهای جوانی‌اند؛ آن هم نه به‌عنوان «الا اللهم». «لمم» که در قرآن هست، یعنی همین‌طور گاهی کاری از انسان سر می‌زند که تصادفی و بدون توجه است. کیست آن کسی که گناه و خطایی نداشته باشد؛ مگر در انسانهای خیلی والا. بنابراین، یک وقت کاری تصادفاً انجام می‌گیرد؛ یک وقت هم ممکن است براساس خطا و غفلت و جهالت، انسان حرکتی کند که نامناسب باشد. آن حکم دیگری دارد؛ اما بعضیها هستند که این حرکت خطا و نامناسب، شغل و کارشان می‌شود؛ گناه دغدغه‌شان این است! اینها هم از مقوله‌ی حرف ما خارجند. البته در گذشته و پیش از انقلاب، از این قبیل افراد زیاد بودند؛ اما بعد از انقلاب، از این قبیل، به آن زیادی نیستند. من آن مجموعه‌ی دارای هدف و آرمان و احساس را بحث می‌کنم که مقوله‌ی جنبش دانشجویی هم متعلق به آنهاست، والا آنها یک وقت هم اگر در تظاهراتی حضور پیدا کنند، حضورشان یک حضور مصنوعی و دروغی و غیرواقعی است! گاهی دیده شده که

از آن قبیل آدمهایی که هیچ دغدغهای جز همین چیزها ندارند، در اجتماعی هم حاضر شده‌اند؛ یعنی بله، ما هم هستیم! معلوم است که مقوله‌ی کار جدی و کار آرمانگرایانه، مقوله‌ای نیست که آدمهای این‌طوری اصلاً بتوانند در آن خیلی نقش داشته باشند.

خصوصیات یک حرکت دانشجویی، باید در این جنبش دانشجویی وجود داشته باشد. من کاری به این تشکلهای گوناگون دانشگاهها ندارم. اینها هر کدام یک حکم و حالتی دارند. این حرف من فراتر از مسأله‌ی تشکلهاست؛ متعلق به همه‌ی کسانی است که احساسی دارند؛ آن احساسی که اول تعریف کردم که متعلق به این محیط است و برخاسته‌ی از عناصر بسیار ارزشمندی است؛ مثل جوانی، پاکی، صداقت، انرژی، آرمانگرایی. باید این خصوصیات را حفظ کنند. البته جنبش دانشجویی آفاتی هم دارد؛ باید حقیقتاً از این آفات پرهیز کنید و بترسید.

یکی از آفات حرکت دانشجویی این است که - همان‌طور که گفتم - عناصر و مجموعه‌های ناباب به آن طمع بورزند و بخواهند از آن سوءاستفاده کنند. در دوره‌ای - که ما هم در آن دوره، خودمان از نزدیک شاهد و واقف به کارهای اینها بودیم - بعضیها بودند که دلشان می‌خواست سر به تن جنبش دانشجویی نباشد! هرچا که حرکت جوانان، بخصوص دانشجویان بود، اینها رویشان را در هم می‌کشیدند و طاقت نداشتند! اینها وقتی ببینند که میدانی هست و بالاخره دانشجو و نسل جوان در کشور حرف می‌زند و تعیین کننده است، بنا می‌کنند اول سینه‌خیز، بعد یواش‌یواش نیم خیز، بعد هم یواش‌یواش با گردن افراشته می‌آیند که بله، ما هم هستیم! اگر مجموعه‌های سیاسی قدرت طلب بدینت بددل بدسابقه، طرف حرکت دانشجویی آمدند و خودشان را به آن چسباندند و بر آن دست گذاشتند، این می‌شود آفت. گاهی از همین تجمعه‌ها و تشکلهای دانشجویی که پیش من می‌آیند، به آنها صریحاً گفته‌ام که آن مجموعه‌های خطرناک چه کسانی هستند. چون این صحبت ممکن است پخش شود، در این‌جا پیش شما اسم نمی‌آورم؛ اما برای آنها اسم هم آورده‌ام. موافقی هست که یک انسان بد و یک نیت ناپاک می‌خواهد از یک نیت خوب، از یک انسان خوب، از یک حرکت خوب سوءاستفاده کند که انسان دلش می‌سوزد و اگر بتواند، حاضر نیست چنین چیزی اتفاق بیفتد. این‌جا هم از همان قبیل است. دانشجویان باید مواظب باشند. نمی‌شود بگوییم کسانی مواظب دانشجویان باشند؛ این نقض عرض خواهد شد. خود دانشجویان باید مواظب باشند که انسانهای بد نیت، تجمعه‌های بد نیت، تشکیلاتهای بد نیت، مجموعه‌های بد نیت و بد سابقه و بد نام، نزدیک نشوند. اگر هم می‌خواهند کار خیری بکنند، بروند خودشان کار خیر بکنند؛ به مجموعه‌ی دانشجویی کاری نداشته باشند.

یکی دیگر از آفات جنبش دانشجویی - همان‌طور که گفتم - دور شدن از آرمانهاست. عزیزان من! ببینید؛ سالها قبل از انقلاب، یک واقعه‌ی جنایت‌آمیز در روز شانزده آذر اتفاق افتاد. از اول انقلاب، می‌شد کاری کنند که شانزده آذر اصلاً فراموش شود؛ چون آن‌قدر ما حوادث داشتیم! اما نه، مسؤولان کشور و علاقه‌مندان به مسائل کشور، مایلند خاطره‌ی این روز زنده بماند. چرا؟ چون آن روز به‌خاطر سخن حقی، اتفاقی در دانشگاه افتاد که بعدها جبهه‌ی دژخیمان به‌خاطر همان هدفی که جوانان داشتند - و هدف والایی هم بود - با آنها مقابله کردند و به کشته شدن سه نفر انجامید. مسأله‌ی آن روز چه بود؟ ضدیت با امریکا. چه زمانی؟ آن زمان که سیاست امریکا و دولت امریکا و رژیم امریکا و عناصر اطلاعاتی و نظامی امریکا، در تمام شوون این کشور حاکم بودند. در این کشور، چه آشکار و چه پنهان، همه چیز در دست امریکاییها بود. امروز که شما می‌بینید امریکاییها از این‌که ایران اسلامی به طرفشان نمی‌رود، زنجیر می‌چونند، به یاد آن روز است؛ چون این‌جا جایی بود که اینها می‌ایستادند و از این‌جا به همه‌ی منطقه - کشورهای عربی و ترکیه و ... - فخر و آقای می‌فروختند و اعمال نفوذ می‌کردند؛ چون این‌جا را مال خودشان می‌دانستند! این را هم توجه داشته باشید؛ کشور شما از لحاظ موقعیت جغرافیایی، در یک مرکز بسیار حساس قرار گرفته است که البته آن روز به‌خاطر بودن شوروی، برای امریکاییها از یک جهت حساستر بود. امروز شوروی نیست، اما اولاً کشورهای آسیای میانه هستند که بسیار مهم است؛ ثانیاً روسیه هست که برای غرب و بخصوص برای امریکا بسیار مهم است. روسیه الان در حال بین مرگ و زندگی، یک حالت نیمه بهوشی دارد. آنها می‌دانند که اگر روسیه - یکی از بزرگترین کشورهای دنیا - توانست در یکی از حساسترین مناطق دنیا سرپای خودش بایستد و اقتدار داشته باشد و تحت نفوذ امریکا نباشد، چقدر برای امریکا و برای تک قطبی شدن دنیا خطرناک است؛ یعنی لنگه‌ی همان شوروی سابق برای امریکاییها خواهد شد. لذا روسیه هم مهم است. پس، امروز با این‌که شوروی نیست، اما چون آسیای میانه هست، چون روسیه هست، چون از این طرف کشورهای مثل عراق و سوریه هستند که یک روز تحت نفوذ شوروی بودند و امروز امریکاییها طمع دارند که اینها را تصرف کنند؛ لذا باز موقعیت جغرافیایی و جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، موقعیتی بسیار مهم و در این منطقه منحصر به فرد است.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 1378/09/01

انقلاب اسلامی آمد و هندسه‌ی جغرافیای سیاسی کشور را به‌کلی عوض کرد. نسبت به گذشته، جهت سیاسی به‌کلی فرق کرده و با گذشته متفاوت شده است. یک نظام مستقل، یک نظام دینی و اسلامی، یک نظام صددرصد مردمی به‌وجود آمده است. ایران، پایگاهی برای توجه همه‌ی کسانی شده است که عقده‌ی فروخورده‌ای از سلطه‌ی امریکا دارند. ملت‌های فراوانی هستند - کم هم نیستند - که امروز از شعارهای ضدامریکایی ایران خوشحال می‌شوند. من اگر می‌توانستم، اسم‌هایی می‌آوردم که شما تعجب می‌کردید. کشورهای معروف بزرگی هستند که از این‌که ملتی این‌جا وجود دارد که با همه‌ی قدرت در مقابل افزون‌طلبی امریکاییها به صراحت حرف می‌زند، احساس هیجان می‌کنند و خوشحالند! در چنین شرایطی، حالا یک عده بیابند به‌عنوان دانشجو، نقطه‌ی مقابل حرکت شانزده آذر را علم کنند؛ یعنی گرایش به امریکا تحت عناوین بسیار پوچ و سست و غیرمنطقی و غیرمستدل. این پشت کردن به جنبش دانشجویی است؛ این اصلاً جنبش دانشجویی نیست؛ این به‌کلی یک چیز دیگر است؛ عکس آن است. مسأله‌ی مخالفت با امریکا را در قالب‌های بسیار کوچک و سست و بی‌بنیاد جناح‌گرایی و امثال آن قرار دهند، برای این‌که اصل قضیه را از بین ببرند. این نمی‌شود. این از آفات جنبش دانشجویی است. پس، یکی از آفات جنبش دانشجویی همین است که به آرمانها و آرمانگرایی پشت کنند. یا مثلاً وقتی که مسأله‌ی عدالت اجتماعی در کشور مطرح می‌شود، دانشجو باید از این مسأله حمایت کند. عدالت اجتماعی، آن چیزی است که حتی کسانی که اصرار داشتند شعار عدالت اجتماعی را به دلایل سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون کم‌رنگ کنند، بالاخره نتوانستند؛ مجبور شدند عدالت اجتماعی را مطرح کنند. در دنیا، غیر از مستکبران و زورگویان و چپاولگران عالم، هیچ انسانی نیست که به عدالت اجتماعی و شعار آن پشت کند. این شعار در کشور مطرح می‌شود؛ چه کسی باید از این شعار حمایت کند؟ چه کسی باید بیشتر از همه درباره‌ی آن بیندیشد؟ چه کسی باید برای آن کار کند و درباره‌ی راه‌های تأمین آن، تحقیق و بحث کند و میزگرد بگذارد، غیردانشجویان؟ باید توجه داشت که این حرکت دانشجویی و بیداری دانشجویی، مطلقاً به سمت عکس جهتها نرود. پس، یکی از آفات این جنبش، پشت کردن به آرمانها، فراموش کردن آرمانها و از یاد بردن آرمانهاست.

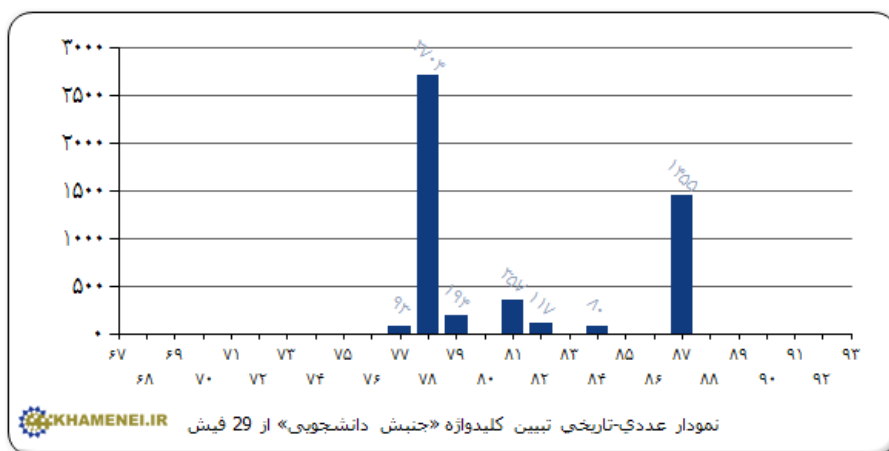
بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف 1378/09/01

یکی دیگر از آفات مهم جنبش دانشجویی، سطحی شدن است. عزیزان من! از سطحی‌اندیشی به‌شدت پرهیز کنید. خصوصیت دانشجو، تعمق و تدقیق است. هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقت کنید. چرا در اسلام هست که: «تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنه»؛ یک ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سالها بیشتر است؛ به‌خاطر این‌که اگر شما فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا می‌کند؛ تلاش سازندگیتان هم معنا پیدا می‌کند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا می‌کند؛ دوستان را می‌شناسید، دشمنان را هم می‌شناسید. شما فرض کنید در یک جبهه‌ی جنگی آدم‌هایی پیدا شوند که جبهه‌ی خودی را از جبهه‌ی دشمن تشخیص ندهند - حیران و سرگردان دور خودشان بچرخند - گاهی این‌جا تیر بزنند، گاهی آن‌جا تیر بزنند؛ گاهی بالا تیر بزنند، گاهی به خودشان تیر بزنند! ببینید فکر که نباشد، آدم این‌طوری می‌شود. عده‌ای می‌خواهند در های‌وهوی فریادها و شعارها و رنگ و روغنها و رنگ و لعاب‌های دروغین، مجموعه‌ی دانشجویی را به این سمت بکشانند. این برای جنبش و حرکت دانشجویی خطر است. باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درستی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکند، چنانچه انسان اهل فکر باشد، با او راحت‌تر می‌شود حرف زد. آن آدمی که اهل فکر نیست، هرگونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمی‌شود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم تعصبها و ندانستنها و جهالت‌های خودش است؛ اما وقتی اهل فکر و دقت بود، اگر خطایی هم اتفاق افتاده باشد، یک نفر آدم خیرخواه می‌تواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار خطاست. نباید سطحی بود. به هر

شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی و به هر نقلی، نمی‌شود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسانهای فرزانه و هوشمند است، این است.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران 1377/02/22

به نظر من، تشکلهای دانشجویی نباید از بیرون الگو بگیرند؛ الگو نمی‌خواهد. این‌که من می‌گویم چهل درصد را باید جذب کند، یعنی همین جمعیت‌های دانشجویی که الان هستند، اینها باید خوب کار کنند تا بتوانند حداقل چهل درصد دانشجویان را جذب کنند. من عقیده‌ام این است که آنها کم‌کاری دارند، والا اگر کم‌کاری نداشتند، واقعا چهل درصد دانشجویان، بلکه بیشتر دانشجویان را جذب می‌کردند. کم‌کاری، گاهی کج‌سلیقگی و گاهی قصور، موجب می‌شود که این کار انجام نگیرد. اما این‌که حالا چه الگویی مورد نظر است، این الگو را بایستی خود دانشجویان پیدا کنند.



مقالات مرتبط

انقلاب اسلامی و جنبش دانشجویی نویسنده : مرتضی شیروزی

اتوپای جنبش دانشجویی ایرانی نویسنده : داوود راگی

جنبش دانشجویی ایران؛ مطالبات و آسیب‌ها نویسنده : غلامحسین مقیمی